

نقدی بر مقاله تاریخ دقیق پایان شاهنامه فردوسی شماره ۹ سال سوم



نگاهی به آغاز و انجام کار شاهنامه

نظری به آغاز و انجام شاهنامه طول مدتی را که فردوسی به نظم شاهنامه ابومنصوری مشغول بوده به طور تقریبی معین میکند.

فردوسی در مقدمه کتاب از کار دقیقی و اقدام او به نظم شاهنامه مذکور و باعث بر ناقص ماندن عمل وی و اینکه او را راهنمای خود در نظم شاهنامه دانسته، یاد میکند و در پایان نقل اشعار دقیقی درباره گشتاسب و ظهور زردشت، از اوصریحا نام میبرد و میگوید: دقیقی رسانید اینجا سخن زمانه بر آورد عمرش به بن.

پس آغاز کار فردوسی را در حقیقت باید پس از پایان دوران عمل و عمر دقیقی بدانیم. از آنجا که تعیین تاریخ قطعی وفات دقیقی میسر نیست، پس باید از مقایسه سنوات اشتغال فردوسی به نظم شاهنامه که از بیست تا سی و پنج سال، به اختلاف موقع، یاد شده است آغاز اشتغال فردوسی و پایان عمر، دقیقی را به قیاس، در سال ۳۶۵ هجری تخمین زد و چیزی که مسلم است به سیصد و هفتاد نمیرسد.

بیت: «چو بگذشت سال از بر شصت و پنج - فزون کردم اندیشه درد و رنج» را که در آغاز انجام شاهنامه و ارداست، برخی اشاره به همان سال آغاز عمل فردوسی در نظم کتاب دانسته اند.

اما تعیین تاریخ ختم شاهنامه بدین سهولت میسر نخواهد بود و به واسطه اختلاف صورت اشعار پایان نسخه های موجود، احتیاج کامل به کاوش و پژوهش دارد. سه صورت اصلی از تاریخ ختم عمل در پایان نسخه های خطی قدیمی بدین سان ثبت شده است:

(۳۸۴)

در نسخه ترجمه عربی شاهنامه که قدیمترین روایت حاضر کتاب شناخته اند، این عبارت دیده میشود:

* آقای استاد محیط طباطبائی. از محققان و پژوهندگان طراز اول کشور

و کم تعب تحملت و کم غصص تجرعت حتی تسنی لی نظم هذا الكتاب فی مده ثلاثین سنة آخرها سنة اربع وثمانین وثلثمائة (۳۸۴). همین تاریخ در نسخه قدیمی قاهره چنین ضبط شده است :

«سر آمد کون قصه خسروان به روز همایون و بخت جوان
 ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار به نام جهان داور کردگار»

ولی در نسخه قدیمی لندن شاهنامه بدینسان پایان مییابد .

«سر آمد کون قصه یزدگرد به ماه سفندار فد روز ارد
 ز هجرت شده سیصد از روزگار چو هشتاد و چار از برش بر شمار»

بنابراین در سه روایتی که از اقدم نسخه های شاهنامه به نظر میرسد سال اتمام نظم کتاب ۳۸۴ هجری بوده و در یکی از آن روایتها روز ۲۵ از ماه اسفند یزدگردی روز پایان کار شمرده شده است :

(۳۸۹)

در چهار نسخه از شاهنامه که یکی از آنها در لندن و دیگری در برلن و سومی در تهران موجود است و نسخه چهارمی که در پایان چاپ شاهنامه طبع خاور مورد استفاده ناشر قرار گرفته است و سپس در چاپ بروخیم هم از آن اقتباس کرده اند، تاریخ ختم شاهنامه سیصد و هشتاد و نه آمده است .

در نسخه خطی تهران که حین تحریر این مقاله زیر نظر قرار دارد ، شش بیت پایان نسخه چنین است :

«چو شد آخر این داستان بزرگ سخنهای آن خسروان سترگ
 بروز سیم ، نی شب ، چاشتگاه شده پنج و ده روز از آن شهر و ماه
 که تازیش خواند محرم بنام وز آزار خواندش ماه حرام
 بهمن و آسمان روز بود که کلکم بدین پیروز بود .
 و گر سال نیز آرزوت آمده است نهم سال و هشتاد و با سیصد است
 چو خواهش گری و نیازم نبود بر این بر به بستم زبان حسود

«تم بالخیر»

در اینجا بیت چهارم، به کمک متن نسخه چاپ خاور، اینگونه تصحیح میشود :

«مه بهمن و آسمان روز بود که کلکم بدین نامه پیروز بود»

مرحوم تقی زاده در مجله کاوه نشان نسخه دیگری از کتابخانه برلن را میدهد که عین ابیات لندن را از بیت اول تا ششم دارد ولی خیلی مغلوط .

نسخه لندن که یکی از چند نسخه قدیمی شاهنامه محفوظ در موزه بریتانیاست علاوه بر

تاریخ ۳۸۹ پایان شاهنامه، خاتمه منظومی هم دارد که گوینده آن خاتمه درخان لنگان اصفهان پیش احمد بن محمد بن ابی بکر حاکم آنجا به سر میبرده و روزی که گوینده در زاینده رود افتاده و مشرف به غرق شدن بود، پسر حاکم موی سر او را گرفته و از آب بیرون کشیده است. گوینده که نویسنده نسخه اصل منقول بوده این حادثه را در پایان شاهنامه خود به یادگار نوشته و بعد از آن نویسنده دیگری آن را متمم اصل کتاب پنداشته و پیوسته به ابیات اصلی استنساخ کرده بود و برای اینکه دوبخش را به هم مرتبط سازد در آخرین بیت از پایان کتاب که در دو روایت چاپی و خطی حاضر چنین نقل شده :

«چو خواهشگری و نیازم نبود
برین بر به بستم زبان حسود .»

مصراع دوم را بدین صورت در آورده : «بدین پرسشم بر زبان برگشود» تا به بیت اول از خاتمه یادگاری پیوسته شود .

شش بیت اول پیش از خاتمه یادگاری در نسخه مذکور پشت سرهم، بدین سان قرار دارد :

سخنهای آن خسروان سترگ	«چو شد اسپری داستان بزرگ
شده پنج ره پنج روزان ز ماه	بروز سیم شنبدی چاشتگاه
که از ارجمندیش ماه حرام	که تازیش خواند محرم بنام
ز اندیشه دل را بشویمت نیز	ز تاریخ دهقان بگویمت نیز
که حاکم بدین نامه پیروز بود	مه بهمن و آسمان روز بسود
نهم سال و هشتاد با سیصد است	اگر سال نیز آرزو آمدست

بنا به شهادت تقی زاده این شش بیت با شش بیت پایان نسخه برلن یکسان است، همان طور که شش بیت نسخه های خطی و چاپی تهران هم بريك منوال هستند .

روایت نسخه لندن درباره بیت دوم همان مفهوم روایت چاپی را دارد، چه «به روز سوم نی به شب چاشتگاه» با «به روز سیم شنبدی چاشتگاه» به معنی چاشتگاه سه شنبه است زیرا روز سیم چون در مصراع بعد «پنج و ده» یا «پنج ره پنج» روز در دنبال دارد بر روزهای هفته دلالت میکند .

در مصراع دوم از بیت سوم اختلاف صورت میان دو روایت وجود دارد که «از ارجمندیش ماه حرام» یعنی از عزت آن را ماه حرام یا محرم الحرام میخواند «وز آزار خواندش ماه حرام یعنی از بابت آزار و تجاوز او را ماه حرام میخواند که اشاره به حرمت جنگ و مردم آزاری در ماه محرم باشد.

در مصراع دوم که یکی ده و پنج یا پانزده روز و دیگری پنج در پنج یا بیست و پنج روز باشد، ده روز اختلاف مقدار پیدا میکند و در تطبیق روز و ماه و سال قمری و شمسی، مرحوم تقی زاده چندان موافقتی نیافته است .

این پایان سیصد و هشتاد و نه هجری چون منتهی به داستان غوطه‌وری در آب زاینده رود و نجات یافتن کاتب نسخه بوسیله پسر حاکم خان لنجان میشد و پژوهندگان به وجود نسخه‌های دیگری از شاهنامه که مشتمل بر این شش بیت پایان کتاب باشد ولی متمم مربوط به حادثه خان لنجان رانداشته باشد، هنوز آشنا نبودند بدون توجه به مشکلات ناشی از انتساب این روایت به فردوسی حادثه‌ای جالب بر حوادث زندگانی او در پژوهش خود افزوده بودند. نسخه قدیم شاهنامه، محفوظ در موزه بریتانیا که مشتمل بر آن شش بیت خاتمه و داستان خان لنجان است، از صده نوزدهم مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته و شفر این بخش را علنا در حواشی خود بر سفرنامه ناصر خسرو چاپ کرده بود. تقی زاده عین‌آب ایات را از روی نسخه اصل لندن در مقالات کاوه نقل کرد و صحت آن در همان موقع مورد تردید ذکاء‌الملک قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۱۲ همو ضمن خطابه‌ای که در تالار دانش سرای عالی ایراد کرد، موضوع را به تفصیل عرضه داشت و چنین می‌پنداشت که عدد سیصد و هفتاد و نه در بیت معهود تاریخ پایان نسخه با پنج بیت پیش و پس آن، جزء اصل داستان مربوط به خان لنجان و مصحف از ششصد و هفتاد و نه بوده است که به تصور او تاریخ وقوع حادثه خان لنجان و نظم آن به دست کاتب نسخه اصلی بوده که نسخه موجود در کتابخانه بریتانیا از روی آن استنساخ شده است.

به فرض اینکه نسخه شامل تاریخ سیصد و هشتاد و نه منحصر به همین یک مورد بود، قبول چنین احتمالی خالی از تأمل و تردید ممکن بود اتفاق افتد.

ولی پس از آنکه در سه نسخه خطی دیگر از شاهنامه، اصل همین شش بیت بدون تنمّه مربوط به حادثه خان لنجان دیده شد، دیگر چنین حدس و احتمالی مورد قبول پیدا نمیکند و باید به صحت و قدمت و اصالت ایات اندیشید. چه در سال ۳۸۹ بوده که محمود غزنوی پس از چهار سال احراز مقام سپهسالاری خراسان، از طرف سامانیان به سلطنت رسید و ارسلان جاذب را به ولایت طوس گماشت و او تا هنگام مرگ فردوسی در این سمت باقی بود چنانکه بنای مقبره قدیم فردوسی را «در کنار خانقاه فعلی فردوسی» از محل صله محمود، به او نسبت داده‌اند.

بعید نیست که فردوسی به تشویق او یا دیگری در ۳۸۹ نسخه دومی از شاهنامه برای تقدیم به سلطان محمود که از ۳۸۴ بدین طرف سپهسالار و والی خراسان از طرف امیر نوح سامانی بود تحریر کرده و پرداخته باشد که نسبت به نسخه ۳۸۴ ساخته و پرداخته وی، برای همشهریانش (منصور بن محمد عبدالرزاق و حیی قتیبه و ابودلف علی دیلمی) اندک تفاوتی پیدا کرده و ایاتی بر آن افزوده شده باشد تا شاعر شیعی طوسی را هدف بغض و تعرض پسر سبکتکین سنی متعصب قرار ندهد. این الحاق در درجه اول شاید از افزودن نام خلفای چهارگانه در فاصله دو بیت:

خداوند امر و خداوند نهی
درست این سخن قول پیغمبر است»

کزیشان قوی شد به هر گونه دین
به هم بستنی یکدیگر راست راه»

تو گوئی دو گوشم بر آواز اوست»
صورت گرفته باشد تا حدی برای جلوگیری از تعرض متعصبانه محمود فراهم آورد.

«چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی
که من شهر علمم علیم در است
و افزایش دویبت :

«علی را چنین گفت و دیگر همین
نبی آفتاب و صحابان چسو ماه
بمداز بیت :

«گواهی دهم کاین سخن راز اوست

(۴۰۰)

سال چهارصد، سومین تاریخی است که در پایان بسیاری از نسخه‌های قدیم و جدید خطی و چاپی از شاهنامه وارد است. این تاریخ با قید سی و پنج سال زحمت نظم شاهنامه و هفتاد و یک سالگی عمر شاعر کاملاً متناسب و نشان دهنده تحریر سوم شاهنامه است. در سراسر کتاب به تدریج آثار تصرفات تازه شاعر در متن کتاب نمودار میشود. متأسفانه ستایش محمود در آغاز و انجام غالب داستانها و اشاره به برخی از احوال و اوضاع روزگار، با ذکر سالهای عمر شاعر به نحوی در خلال ابیات کتاب پراکنده جای گزیده که از ترتیب منظمی نمیتواند پیروی کند و نشان میدهد که از آغاز استیلای محمود بر طوس تا سال چهارصد و یکصد و چهار صد و انده هجری به تفرقه این دخل و تصرفها صورت میگرفته است. فردوسی از سال چهارصد و دو هجری با اشاره به صدور فرمان معافی خراج از طرف سلطان محمود (درشوال ۴۰۲) و همچنین با ذکر عمر نزدیک به هشتاد خود، سالهای چهار صد و هفت و هشت هجری را هم به یاد خواننده می‌آورد و این رقمها ناگزیر در ضمن تحریر تازه تری از کتاب شاهنامه بدان راه یافته که به عنوان تحریر چهارم شاهنامه شناخته نشده است.

از آنچه نموده شد میتوان دریافت که هر یک از سه تاریخ ۳۸۴ و ۳۸۹ و ۴۰۰ که در پایان نسخه‌های مختلف شاهنامه ثبت شده به اعتباری، درست و مربوط به یکی از تحریرهای سه گانه تاریخدار شاهنامه است.

روز و ماه و سال مذکور

در دومورد از ابیات مربوط به سالهای ختم شاهنامه، نام روز و ماه یزدگردی و هفته و ماه هجری هم یاد شده است.

نخست در پایان سال ۴۰۰ هجری که میگوید :

«سر آمد کون قصه یزدگرد
به ماه سپندار مذ روز ارد»

که منظورش روز بیست و پنجم از اسفند ماه است .

در نسخه قدیم قاهره و یکی از نسخه‌های قدیمی لندن، به جای روایت معروف :

«ز هجرت شده پنج هشتاد بار
که گفتم من این نامه شاهوار»

رقم سیصد و هشتاد و چهار بدین صورتها ذکر شده است :

زهجرت سه صد سال و هشتاد و چهار
بنام جهان داور کردگار

یا

«ز هجرت شده سیصد از روزگار
چوهشتاد و چار از برش بر شمار»

که برحسب محاسبه تقی زاده و مراجعه به جدولهای تطبیق سال شمسی و قمری روز بیست و پنجم اسفند از سال ۳۸۴ هجری با روز بیست و پنجم محرم الحرام از همان سال مطابق بوده ولی سه شنبه با آن روز تطبیق نمیگردد بلکه روز هفته یکشنبه بوده است. بنابراین باید چنین پنداشت که تاریخ ۲۵ اسفند مربوط به همان تحریر نخستین ۳۸۴ هجری بوده که این قسمت بعداً در نسخه برداریهای مکرر به نسخه ۴۰۰ انتقال یافته و در غیرموقع حقیقی خود به کار رفته است، همانگونه که ۲۵ محرم هم در ضمن نسخه برداریها از سال ۳۸۴ هجری به سال ۳۸۹ انتقال یافته است .

در پایان نسخه مربوط به ۳۸۹، چنانکه در این مقاله نقل شد چاشتگاه روز سه شنبه ۱۵ یا ۲۵ محرم الحرام از سال ۳۸۹ هجری هنگام ختم تحریر شاهنامه شمرده شده و این روز را با آسمان روز (۲۷ از ماه بهمن) همراه آورده است که تطبیق آن بدین کیفیت میسر نیست زیرا تفاوت میان پنج سال قمری و پنج سال شمسی به پنجاه و اندی روز میرسد نه بیست و هشت روز .

بنابراین سال پایان تحریر اول شاهنامه ۳۸۴ و روز آن را میتوان بیست و پنجم محرم الحرام موافق با ۲۵ اسفند سال ۳۶۳ یزدگردی دانست و چاشتگاه در اصطلاح شامل همه ساعات پیش از ظهر هر روزی میشود و به یکی از آنها اختصاص ندارد .
غالب پژوهندگانی که درباره شاهنامه و فردوسی پیش از این به تحقیق و تتبع پرداخته اند به اختلافی که درباره سال ختم شاهنامه ، بنا بر اختلاف نسخه‌های خطی قدیم و جدید ملحوظ است، اشاره کرده و درصدد تطبیق و سازش و استخراج سال حقیقی پایان کار بسر آمده‌اند و هیچ يك به نتیجه‌ای روشنتر از آنچه در اینجا نوشته شد، نرسیده‌اند .

تصور میکنم دوست ارجمند ما آقای محمودی بختیاری استاد دانشگاه سیاهیان
 انقلاب، در آنچه به استناد نظر دوست فقید مشترك شادروان ذبیح اله بهروز، در این باره
 برای استحضار خوانندگان مجله گوهر نوشته‌اند و در شماره قبل به چاپ رسید پا را از حد
 معقول استناد به مدارك گذشته و حال، فراتر گذاشته‌اند و سال ختم شاهنامه را ۳۱۶
 هجری، یعنی سیزده سال پیش از سال تولد فردوسی و به قول خود، سیزده سال قبل از وفات
 رودکی، شمرده‌اند که در سراسر شاهنامه ادنی قرینه‌ای بر امکان چنین فرضی دیده نمی‌شود.
 شادروان بهروز برای اینکه چنین موضوع بیسابقه‌ای را به دوست پژوهشگر خود القا
 کنند، مصراع اول از بیت (۲) «به روز سوم نی به شب چاشتگاه - شده پنج و ده روز از
 آن شهر و ماه» را به صورت «ششم روز از هفته در چاشتگاه» در آورده،
 و در مصراع دوم از بیت (۳) :

« که تازیش خواند محرم بنام وز آزار خواندش ماه حرام»
 کلمه «آزار را» که به معنی آزرده مردم بوسیله تاخت و تاز و غارت اموال دیگران
 باشد و این کار در ماه محرم برای تازیان ناروا بوده و بدین سبب بدان ماه لقب «حرام»
 داده بودند و آن را محرم الحرام می‌خواندند، آری آزار را، به «آذار» ماه رومی تبدیل
 کرده تا با اسفند ماه شمسی (ربطی پیدا کنند) و مصراع منقول را بدین صورت اصلاح
 نموده‌اند: «در آذار افتاده ماه حرام» که در هیچیک از سه نسخه موجود واجد این ابیات،
 چنین صورتی ضبط نشده است.

سپس جای بیت (۵) «مه بهمن و آسمان روز بود» را از جلو بیت (۶) تاریخ ۳۸۹
 پیشتر آورده و پشت سر بیت (۳) مربوط به محرم الحرام نهاده‌اند و آنگاه به سراغ بیت (۴)
 اضافی رفته‌اند که در روایت مجله کاوه از نسخه لندن نقل شده و آن را بدون توجه به اختلاف
 روایتهای دیگر از پشت سر بیت ۳ مربوط به تاریخ قمری، برداشته و بر بیت ۳۸۹ مقدم
 داشته‌اند. بطور کلی صورتی تازه از آمیختن دو روایت نسخه‌های لندن و تهران از حیث
 ترتیب و تنظیم ابیات و تغییر کلمات برای چنان استنباط خاصی به وجود آورده‌اند.

بدیهی است توجه بدین موضوع در گرو ارائه نسخه پنجمی از شاهنامه مشتمل بر این
 ابیات ششگانه به ترتیبی میباشد که پس از یکسال تأمل به صورت مذکور ارائه شده است.

در خاتمه از تاریخ ۳۸۹ دهقانی انوشیروانی عجاله می‌گذریم که خود ابتکار بسی
 سابقه‌ای در تقویم و تاریخ ایران قدیم محسوب میشود، ابتکاری که در هیچیک از آثار
 علمی مسلمانان و زردشتیان ایران و هند سابقه اشاره و نقلی از آن نمیتوان یافت و اهمیت
 اظهار آن کمتر از انشاء و ابداع کتاب‌دساتیر و تاریخ مهابادیان به کوشش و دلیری ملاکوس
 مؤید در دو قرن قبل نیست.

۵۴۹۹۱۹